فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc103093699)

[اضلاع صدق یک منظومه تمدنی 2](#_Toc103093700)

[چیستی تمدن 3](#_Toc103093701)

[نظریات مختلف درباره اندیشه اسلامی 3](#_Toc103093702)

[محور دوم، نسبت اجتهاد و تمدن‌سازی 4](#_Toc103093703)

[مراحل اجتهاد تمدن ساز اسلامی 5](#_Toc103093704)

[اقتضائات اجتهاد تمدن ساز 6](#_Toc103093705)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله آل الله سیما بقیة الله**

# پیشگفتار

آرزوی قبولی طاعات و عبادات و ماه مبارک رمضان و پس از آن داریم برای همه دوستان و ایام گذشته و عید فطر را به حضور همه دوستان حاضر این جلسه و این محفل علمی تبریک و تهنیت عرض می‌کنم

حضور همه دوستان را در این گفتگوی علمی مغتنم می‌دانم و پدیده مبارک و از دوستانی که برگزاری این جلسه را تمهید کردند به ویژه دوست و سرور عزیزمان جناب آقای موسوی تقدیر و تشکر می‌کنم و عرض ادب و احترام دارم خدمت همه شما دوستان عزیز مخصوصاً طلاب جوان و باانگیزه و خوش‌ذوق و در جستجوی راه‌های نو برای آینده حوزه و پیشبرد اندیشه الهی و معرفت دینی و انقلاب اسلامی و خسته نباشید عرض می‌کنم به همه دوستانی که در حوزه با اعتماد بر منهج‌های درست و روش‌های صحیح مسیرهای نو را می‌پیمایند و قلمروهای جدید را در حوزه‌های فلسفی، کلامی، فقهی، حدیثی، تفسیری، علوم انسانی و اجتماعی می‌پیمایند به ویژه عزیزانی که در قلمرو علوم تربیتی از منظر دینی و علوم تربیتی اسلامی و دینی تلاش می‌کنند بالاخص همه عزیزانی که مسیر پایه‌ریزی و رشد و شکوفایی و بالندگی فقه تربیت را می‌پیمایند و این حرکت را دنبال می‌کنند.

در خصوص موضوعی که اینجا برای من پیشنهاد شده است به عنوان اجتهاد تمدن ساز و فقه تربیتی چند نکته را محضر شریف دوستان عرض می‌کنم و نشست پاییزه یا زمستانه همین موضوع بود که در آن سخن چهار نکته و موضوع اساسی مطرح شد.

در این نشست بهاره و پس از ماه مبارک رمضان و هم‌زمان با ایامی که برای اولین بار به شکل چند هفته‌ای درس‌ها حضوری می‌شود ضمن تقدیر و تشکر مجدد از همه دوستان چند محور مطرح و مطالبی عرض خواهد شد.

# اضلاع صدق یک منظومه تمدنی

قبل از پرداختن به محورها در مقدمه این را بگویم که وقتی که سخن از یک تمدن به میان می‌آید منظور آن است که یک اندیشه جامعه و فراگیر و منسجم و پاسخگو شکل گرفته است

تمدن یا اندیشه تمدنی یک بار است در مقام معرفت و نظر مطرح می‌شود و یک بار تمدن در مقام عمل و تجلیات عینی و خارجی مطرح می‌شود

در آن معنای اول منظور از اندیشه تمدنی منظومه منسجم فکری و معرفتی است که به شکل یک درختواره درمی‌آید از شمول و فراگیری و پاسخگویی همراه با انسجام و انضباط برخوردار است.

ارجاع داده می‌شود آنجا مقصود این است که آن اندیشه منسجم آمده کلیت جامعه در یک دایره وسیع اجتماعی تجلی پیدا کرده است و به شکلی توانسته است بر پای خود بایستد و ماندگاری داشته است و ابعاد و اضلاع مختلف یک جامعه را شکل داده است.

# چیستی تمدن

تمدن بنابراین یک اندیشه‌ای است که از این چند ویژگی که مورد اشاره قرار می‌گیرد برخوردار است اگر یک منظومه فکری باشد یا مجموعه فکری و معرفتی باشد که میان آن مجموعه انسجام برخوردار نباشد مجموعه تمدنی نیست اگر انسجام برخوردار باشد اما آن مجموعه معرفتی و آن منظومه ساعت‌های محدودی را در بربگیرد باز صرف صدق یک اندیشه تمدنی نمی‌کند و احتمال قوی همه اینها را داشته باشد ولی نتواند در مقام عمل خود را نشان بدهد شاید خللی در آن صدق یک اندیشه جامع تمدنی بر آن وارد بشود اینها اضلاعی است که برای صدق یک منظومه اندیشه و یک منظومه تمدنی لازم است.

# نظریات مختلف درباره اندیشه اسلامی

با این مقدمه محور اول این است که در اینکه اندیشه اسلامی و تفکر اسلامی مجموعه معارف اسلامی یک منظومه تمدنی است یا نه؟ با این مفهومی که اشاره شد اختلاف‌نظرهایی وجود دارد شاید بتوان گفت که در اینجا حداقل سه نظریه را می‌شود برشمرد.

۱- یک نظریه که گاهی به آن هم تفوه می‌شود احیاناً در بعضی از نوشته‌ها و گفتارها مطرح می‌شود آن است که اندیشه اسلامی مجموعه معارف اسلام گرچه گسترده است و از انسجامی برخوردار است اما آن شمول همه ساحت‌های زندگی بشر را ندارد و بیشتر اندیشه اسلامی اعم از معارف توصیفی و تجویزی آن تعلیقه‌ای بر حیات بشر و زندگی تمدنی بشر است.

در واقع بشر تمدن‌هایی مختلفی می‌تواند داشته باشد و بخش عمده‌ای از زیست و حیات بشر را خود بشر رقم می‌زند آنچه در کتاب و سنت و منظومه فکری اسلام آمده است یک تعلیقه و حاشیه است برای اصلاح تمدن بشری، بشر راه خود را طی می‌کند اندیشه اسلامی به شکل راهنما در کنار او قرار می‌گیرد حاشیه‌هایی در نظام فکری او می‌زند حاشیه‌ای بر فکر و فرهنگ و تمدن او می‌زند و این حاشیه گرچه حاشیه نسبتاً دامنه‌داری است نقش مؤثری دارد اما درهرحال این منظومه فکری یک تعلیقه و حاشیه است بر آن مسیر تمدنی که بشر دارد. این یک نگاه است لااقل منظومه موجود در کتاب و سنت، تعلیقه و تحشیه می‌داند در فکر و معرفت و معیشت بشر و گرچه به آن نقش می‌دهد ولی در همین حد است.

۲- نظریه دوم که ممکن است طرح بشود و قائلانی ممکن است داشته باشد این است که منظومه فکری انسان از یک دامنه وسیع برخوردار است تا آنجا که حتی می‌تواند جایگزین خیلی از علوم و دانش‌های بشری هم بشود و کسانی هم تمایل به این مسئله دارند با طیفی که در اینجا مطرح است حتی در اینجا که بشر در خیلی از قلمروهای فکری هم اگر مراجعه به کتاب و سنت بکند از آن ره‌آوردهای عقلی و یا دانشی بشری بی‌نیاز می‌شود. این هم یک نگاه دیگری است که به نحوی حداکثری کامل به مسئله نگاه می‌کند.

۳- شاید بتوان گفت نظریه قابل دفاع‌تر نظریه سوم باشد در نظریه سوم اولاً منظومه فکری اسلام را ملتزم می‌بینیم نظام کاملاً به‌هم‌پیوسته برای آن قائلین، ثانیاً حجم این معارف در قلمرو مباحث بنیادی اعتقادی، فلسفی، کلامی در حوزه‌های حقوقی و ارزشی، در حوزه‌های نظامات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی حجم معارف را بالا می‌بینیم.

این معارف حجیم و منسجم راه بر حرکت بشر هستند و سازنده یک نوعی جدید و نوعی دقیق از حیات بشر در همه ساحت‌هاست.

پس این اندیشه منتظم است نظام‌مند است، این اندیشه شمول به ساحت‌های گوناگون حیات بشر دارد در برخی از این ساحت‌ها و قلمروها به شکل ریز وارد می‌شود حتی فقه ما به عنوان اولی در خیلی از آن قلمروها به شکل کلان‌تر عناوین کلی و عام ورود پیدا می‌کند و کاملاً در تمام ابعاد و ساحت‌های زندگی بشر یک زیست خاص و ویژه‌ای را به وجود می‌آورد و از لحاظ و کیفیت به‌هیچ‌وجه این اندیشه حاشیه نیست این اندیشه در متن است و متن ساز است و راهبر زندگی بشر در همه ابعاد است.

این نظر سوم است که به نظرم قابل دفاع است ضمن اینکه ما در پی نظریه حداکثری میل داریم اما درعین‌حال نوع ورود اسلام در جزئیات یا منظر کلی متفاوت است جابجا با یک قواعد کلی تفاوت دارد.

اما این اندیشه منسجم درختواره شمول و فراگیری دارد و سازنده یک زیست فردی، اجتماعی، خانوادگی در ساحت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هست.

# محور دوم، نسبت اجتهاد و تمدن‌سازی

این است که اجتهاد و این تمدن‌سازی چه نسبتی با هم دارد

اینجا هم باید عرض کنیم که آنچه ما در این نظریه به آن اشاره کردیم آن است که این فکر تمدنی و این طرح تمدنی در درون اندیشه دینی، همین اندیشه دینی که امروز دست ماست، ما در عصر حضور نیستیم و نمی‌توانیم به کمال آنچه در دستمان هست قطعیت بدهیم اما همین که در دست ماست در کمون و ذات آن، یک طرح تمدنی است که راهبر همه بشر در همه ساحت‌هاست و اجتهاد باید بتواند این طرح منتوی و کامل در منابع و مصادر کتاب و سنت منابع دینی بیابد و استخراج کند و به خوبی هم این کالا را به جامعه بشری عرضه بکند.

به دلیل اینکه کمتر فرصت و موقعیت را دیده‌ایم که اسلام در جاری عمل تحقق بکند و در میدان واقع تحقق پیدا بکند جز در مقادیر از تاریخ اسلام به این دلیل است که بسیاری از اضلاع و ابعاد و اجزاء این منظومه تمدنی و طرح وارده تمدنی استخراج و استکشاف شده نیست. و به این دلیل است که در اینجا باید اجتهاد را پس بدهیم و اجتهاد تمدن ساز مفهوم دقیق آن این است که اجتهاد تمدن‌یاب در اندیشه دینی و در مصادر و منابع دینی، این مقصود از اجتهادی است که می‌تواند این طرح‌واره تمدنی را با تورهای دقیق علمی و منهج صحیح اصطیاد بکند بیابد و آن را عرضه بکند.

نباید این واژه تمدن ساز رهزن باشد، اجتهاد تمدن ساز به این مفهوم نیست که ما بر منابع و مصادر اسلام می‌خواهیم چیزی را بیفزاییم، همان کمال دین که طرح وارده تمدن بشر هست و در ذات و در منابع و مصادر دینی وجود دارد با اجتهادی جامع استکشاف می‌شود مقصود از تمدن‌سازی این است در واقع ساختن جستجوگرانه و مستکشفانه مقصود است.

برای دست‌یابی به طرح‌واره تمدنی بایستی مراحلی را بپیماییم. آنچه در کتاب اجتهاد تمدن ساز آمده است به این اشاره دارد که اجتهاد موجود، اجتهادی درست و اصیل و نقطه اتکاء و اعتماد ماست در کشف آن طرح‌واره تمدنی اسلام، اما به آن نمی‌شود پسنده کرد بلکه باید گام‌هایی به پیش برداشت و دامنه اجتهاد را توسعه داد و این کاری است که بزرگانی در دوره‌های اخیر انجام دادند کاری که مرحوم شهید صدر و جمعی دیگر از بزرگان ما در قلمروهای مختلف انجام دادند درصدد این هست که از همان سکوی اجتهاد شکل یافته و نظم یافته در حوزه‌های علمیه ما پرشی داشته باشیم و بسط و توسعه‌ای داشته باشیم تا به قلمروهای تکمیلی آن طرح‌واره تمدنی اسلام برسیم.

# مراحل اجتهاد تمدن ساز اسلامی

اجمال آن هم این است که اجتهاد مراحل تمدن ساز اسلامی عبارت است از گام اول که این مجتهد متعارف است یعنی فقه

گام دوم این است که ما اجتهاد را در قلمرو‌های دیگری توصیفات اسلام و حوزه‌های معرفتی اسلام تعمیم بدهیم.

گام سوم این است که اجتهاد را به سمت نظام‌مندسازی گزاره‌های توصیفی و تجویزی و معرفتی اسلام ببریم. این نظام‌سازی در یک هرم هم شکل می‌گیرد نظام‌سازی‌های در ساحت‌های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و ده‌ها قلمرویی که اینجا تصویر می‌شود و بعد به هم گره زدن این خرده نظام‌ها و رسیدن به یک نظامات جامع‌تری تا به آن نظام رأس هرم این نظام جامع و طراحی تمدنی اسلام می‌رسد.

اجتهاد را باید آورد به این سمت که پس از منظومه‌سازی و تعمیم دایره اجتهاد در همه قلمرو‌ها و گره زدن همه اینها به همدیگر و نظام ساختن را تمرین کند و ورود بکند در سلسله‌مراتب تنظیم نظامات و پیش برود.

گام چهارم این است که این اندیشه منتظم را وقتی بخواهد در ساحت عمل بیاورد پیاده‌سازی در عمل هم مستلزم این است که دامنه و تجلیات این اندیشه منتظم را در علوم و فناوری‌ها دانش‌ها تا قلمروهای دیگری میدانی و عملی تجلی بدهد. و اقتضاء این اندیشه نظام‌یافته را در حوزه علوم انسانی و فن‌آوری‌ها و هنر و سایر قلمرو زندگی بشر نشان بدهد و با فکر و تحقیق و پیمودن مسیر دانشی درست آن را مشخص بکند

این نکته را هم اشاره کنم که گاهی این سؤال مطرح می‌شود که اسلام از یک اندیشه تمدنی برخوردار است یا تمدن‌ها متفاوت در اندیشه اسلامی وجود دارد؟

اگر تمدن را به معنای شکل تحقق‌یافته عینی خارجی بگیریم، تمدن می‌شود گفت اشکال گوناگون دارد برای اینکه آن شکل‌های گوناگون در زندگی بشر متفاوت است و متعدد است با تحول علمی و دانشی و فناوری بشر آن‌ها متفاوت می‌شود و اگر به معنای یک روح واحد بگیریم که ثوابت آن فراوان است و در همه اشکال متعدد جلوه‌گر است و ضمناً ظرفیت تحول و پاسخگویی به تغییرات را دارد می‌شود گفت ما از یک اندیشه تمدنی برخورداریم.

بنابراین از یک ساحت و به یک معنا اسلام یک تمدن دارد ولی به یک مفهوم عینی‌تر خارجی اشکال گوناگون از تمدن اسلامی متصور است

این هم مسئله سوم که آیا یک تمدن اسلامی داریم یا تمدن‌های اسلامی داریم که با دو اصطلاح و تعبیر هر دو را می‌شود پذیرفت

# اقتضائات اجتهاد تمدن ساز

مطلب چهارم این است که اگر بخواهیم به سمت اجتهاد تمدن ساز حرکت کنیم اقتضائاتی دارد که حوزه‌های علمیه و مراکز علمی به آن بپردازند متعدد است که چند مورد را در پایان سخن عرض می‌کنم

۱- باید این باور به گستره وسیع اندیشه اسلامی و حضور این اندیشه اسلامی در همه ساحت‌ها زندگی به عنوان یک پیش‌فرض پذیرفته شود و بپذیریم که همه ساحت‌های زیست آدمی می‌تواند و حتماً این طور است که در سایه اندیشه دینی و وحیانی قرار بگیرد.

۲- اینکه از فقه فردی به سمت فقه اجتماعی و فقه نظام ساز حرکت کنیم

۳- اینکه فقه را باید بسط بدهیم پایه‌هایی از آن در این طرح‌واره‌های حوزه ریخته شده است و در درختواره رشته‌های حوزه و فعالیت‌های متنوعی که پایه‌ریزی شده و برخی به عمل در آمده یا در آستانه عمل است که باید فضلای جوان و اساتید آن‌ها را پیش ببرند و به‌هرحال ما نیازمند به یک تحول و تطور و بسط دامنه فقه اسلامی برای اصطیاد آن طرح‌واره تمدنی نیاز مبرم داریم و کاری است که باید بزرگان و طلاب و اساتید جوان ما آن را طی کنند و شکل‌گیری فقه تربیتی یک مؤلفه در این طرح بزرگ است ده‌ها قلمرو فقهی دیگر باید پایه‌ریزی بشود و بخش‌های موجودی از فقه ما با این نگاه باید غنی‌سازی بشود و کارهای مقارن و تطبیقی اینجا باید انجام بپذیرد

برای این مسئله نیاز به موضوع‌یابی و سوژه‌یابی و شناخت اقتضائات زمان و مکان از ضرورت‌های رسیدن به آن طرح‌واره تمدنی اسلام است

از سوی دیگر بسط مرزهای دانش علوم اسلامی و حوزوی باید در قلمرو توصیفیات و مسائل فلسفی و کلامی مورد اهتمام قرار بگیرد که به نحوی نهادهای حوزه در این سال‌ها توجه شده است

از سوی دیگر حوزه علوم انسانی و اجتماعی به دلیل نقش راهبر آن در تمدن امروز باید مورد توجه قرار بگیرد و تأثیر و تأثرات آن با طرح‌واره تمدن اسلامی مشخص بشود که اقداماتی در این زمینه انجام شده که فعلاً در آغاز راه هستیم

و دیگر اقتضائاتی که برای این مسئله وجود دارد ما نیاز داریم مجتهدانی و فیلسوفانی و محققانی و پژوهشگرانی داشته باشیم که هم‌دستی عمیق در قلمرو علوم اسلامی و اجتهاد سنتی داشته باشند و درعین‌حال در آن نمانند بلکه عرصه‌های نو را کشف بکنند و با تلاش خود به سمت آن طرح‌واره تمدن اسلامی حرکت بکنند

مستحضرید که پیمودن این راه یک دشواری و صعوبت فوق‌العاده‌ای دارد انقلاب اسلامی آغازی و مقدمه‌ای برای حرکت امت اسلام برای آن طرح‌واره تمدن اسلامی است و در این مسیر با همه سختی‌هایی که در ذات آن هست باید پیمود این مسیر را به‌رغم همه دشمنی‌ها و عداوت‌هایی که علیه این اندیشه ناب به کار گرفته می‌شود باید پیمود و پیمودن این مسیر نیازمند پرورش مجتهدانی در تراز بالا و مجاهدانی در تراز بالاست این اجتهاد و جهاد اگر به هم پیوند بخورد می‌شود به سمت آن طرح‌واره تمدن اسلام حرکت کرد و به فضل الهی به‌رغم همه کینه‌ورزی‌ها و نادانی‌هایی که در این مسیر وجود دارد ما سرمایه‌های بزرگ و خوبی داریم و امیدواریم که حوزه ما و نسل جوان و کوشا و پویای ما با این رویکرد بلند به سمت این آفاق باز و گسترده حرکت کنند

از حضور همه شما متشکر و ممنونم هم از برگزارکنندگان قدردانی و سپاسگزاری دارم و امیدوارم که هم فقه تربیتی و هم کلام تربیتی و هم فلسفه تربیتی و هم این دانش‌ها در قلمروهای دیگری طرح‌واره تمدن اسلامی راه دراز رشد و بالندگی و شکوفایی با اتقان و شتاب بپیماید

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.